

تمرکز و عدم تمرکز در حوزه‌های علمیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

حلیمه شیخ علیشاهی^۱

مقدمه

تمرکز و عدم تمرکز از موضوعات مهم مورد مناقشه میان دانشمندان تعلیم و تربیت است. در تمرکز مطلق، تمام اختیارات در دست حکومت مرکزی است و هیچ‌گونه حق تصمیم‌گیری به موسسات و واحدهای تابعه داده نمی‌شود و آنها صرفاً مجری سیاست‌های حکومت مرکزی هستند. در سر دیگر طیف یعنی عدم تمرکز مطلق حکومت مرکزی تمام اختیارات را به واحدهای موسسه‌ای پایین‌تر واگذار می‌کنند (امین خندقی و دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). نظام‌های متمرکز، دیدگاه سنتی و غالب اکثر کشورهای جهان تا اواخر قرن بیستم بود. اما امروزه گرایش فزاینده‌ای به اجرای سیاست‌های تمرکززدایی در بیشتر کشورهای دنیا دیده می‌شود؛ چرا که تمرکززدایی می‌تواند ابزار و وسیله رشد و توسعه در بخش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نقش ایفا کند (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۶۰).

اما حوزه‌های علمیه، به عنوان نماد آموزش علوم دینی در طول تاریخ تشیع و کانون پرورش بزرگان و اندیشمندان اسلامی و علما و فقها و مفسران و سایر متخصصان علوم اسلامی، سرگذشت متفاوتی در این زمینه داشته و عمدتاً شاهد عدم تمرکز بوده‌است. این مدارس که از دیر زمان در جوامع اسلامی، از رونق زیادی برخوردار و تا پیش از تاسیس دانشگاه‌ها تنها پایگاه آموزش عالی به شمار می‌رفته‌اند (جهانپور، ۱۳۸۷: ۱۳۱)، به دلایلی که ذکر خواهد شد حتی پس از ورود نظام آموزشی جدید به کشورهای اسلامی هویت خود را حفظ نمود و بدون تاثیرپذیری از جریان تمرکزگرایی در قرن بیستم، به عنوان یک نظام آموزشی غیرمتمرکز، اعتبار خود را حفظ کرد. هر چند در سال‌های اخیر به ویژه در ایران تحت تاثیر تحولات سیاسی اجتماعی شاهد گرایشاتی به تمرکزگرایی هستیم. البته مفاهیم مطلق تمرکز و عدم تمرکز صرفاً در عالم نظر قابل طرح هستند و همه نظام‌های آموزشی بر اساس خط مشی‌های آموزشی خود درجاتی از آن را در خود دارند (گویا و قدکساز خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی. Shokaran35@gmail.com

۲۷) لذا آنچه در این نوشتار از تمرکز یا عدم تمرکز در حوزه های علمیه ذکر می شود ناظر به غلبه گرایش به هر یک از این دو می باشد.

عدم تمرکز در حوزه های علمیه

حوزه علمیه نامی است که در کاربرد امروزی آن برای نهاد آموزش دینی نزد امامیه متداول شده است، گرچه ماهیت این نهاد آموزشی طی قرن ها وجود داشته است (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۶۲). در قرون نخستین اسلامی مراکز و اماکن تحصیلی شیعیان، همانند سایر مسلمانان، مکتب خانه، مساجد و خانه عالمان بوده است. با رواج مدارس از قرن سوم، این محل نیز در کنار مراکز پیش گفته، محل تحصیل طالبان علوم دینی شیعیان گشت (دانشیار، ۱۳۹۱: ۸۱). این مدارس که گاه از آنها به اصطلاح امروزی حوزه تعبیر می شود، از تشکیلات سازمانی به شیوه کنونی برخوردار نبوده و در هر منطقه بر اساس شیوه و روش های فردی و سیره رایج در گذشته اداره می شدند (غیائی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). این حوزه ها اکثرا توسط عالمان هر عصر تاسیس و بر اساس نظرات آنها برنامه ریزی و اداره شده اند مانند تاسیس حوزه شیعی مسجد براثا توسط شیخ مفید، تاسیس حوزه شیعی دارالعلم توسط سید مرتضی، حوزه علمیه نجف توسط شیخ طوسی (غیائی، ۱۳۸۳: ۸۳ و ۸۴) و یا این که مدارس و حوزه های قدیمی توسط علماء برجسته احیاء گردیده است مانند احیاء حوزه علمیه قم توسط شیخ عبدالکریم حائری (شریف رازی، ۱۳۳۲: ۷۳). در چنین مواردی قوت علمی و توان مدیریتی این بزرگان معمولا در ابعاد مختلف آن حوزه تاثیرگذار بوده است. علاوه بر این حوزه های علمیه برجسته، طلاب که از اقصی نقاط جهان اسلام به حوزه ها روی می آورند در موارد متعددی پس از بازگشت به موطن خود بر اساس نیت شخصی یا درخواست مردم و مساعدت واقفان اقدام به تاسیس مدارس محلی نموده و تمشیت امور آن را خود بر عهده می گرفته اند. لذا ساختار مدارس علمیه شیعیان به عنوان یک نظام آموزشی، برآمده از یک مدیریت واحد و برنامه ریزی متمرکز نبود؛ بلکه نتیجه تبعیت از سنت علمی بود که در طول زمان شکل گرفته بود.

اما درباره علل عدم تمرکز مدارس علمیه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) عدم پیچیدگی نیازهای جامعه: این ساختار غیر متمرکز در قرون گذشته با توجه به میزان رشد و پیشرفت جوامع در ابعاد گوناگون، پاسخگوی نیازهای حوزه بوده است. چرا که عدم پیچیدگی روابط اجتماعی در قرون گذشته نیازهای متنوعی را به حوزه های علوم دینی عرضه نمی کرده و از این رو، اداره آن پیچیدگی خاصی نداشت و نیازمند نظام منسجمی نبود (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۱).

ب) نقش وقف در اداره مدارس علمیه: یکی از علل عدم تمرکز در این نظام آموزشی نقش بنیان و واقفان مدارس علمیه بود. در طول سالیان متمادی، بنیان مدارس شیعیان اعم از رجال حکومتی، تجار و علما و فقها، بنابر انگیزه و نیت خود، شرایط متعددی را در وقفنامه‌ها ذکر کرده‌اند که حوزه‌های مختلف آموزش را در بر می‌گرفته و چارچوب خاصی را به مدارس تحمیل می‌نمود. به طور مثال گزینش متولیان، برنامه درسی و فعالیت مدارس، مدیریت، ضوابط پذیرش و آزمون طلاب (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۸۹)، شرایط غیبت و حضور طلاب و مدرسان، نظارت بر پیشرفت تحصیلی طلاب، نوع دروس قابل تدریس در مدرسه و حتی کتب مورد تدریس و حقوق و مقرری مدرسان و طلاب (سیدزاده مطلق، ۱۳۹۰: ۱۸۷) از جمله مواردی بوده که کمابیش در وقفنامه‌ها ذکر شده است (جهانپور، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

ج) استقلال از حکومت‌ها: بنیان حوزه‌های علمیه شیعه در طول بر استقلال در برابر حاکمیت‌ها استوار بوده است. این امر محصول باور قلبی شیعیان به لزوم حاکمیت امام در جامعه و غاصبانه بودن حکومت‌های هر عصر بوده و مانع هر گونه دخالت دولت و در نتیجه تمرکزگرایی دولتی در حوزه‌های علمیه گردیده است. اگر چه ظهور حکومت‌های شیعی و حمایت حاکمان در برهه‌هایی از زمان مانند حکومت آل بویه و صفویان به تقویت برخی حوزه‌های علمیه شیعه منجر شده است، اما به معنای ورود حاکمیت به اداره مدارس علمیه نبود و زمینه‌ای برای ظهور تمرکزگرایی دولتی ایجاد نکرد.

ابعاد گرایش به عدم تمرکز در حوزه‌های علمیه

عدم تمرکز در مدارس علمیه را می‌توان در ابعاد مختلف نظام آموزشی آنها بررسی نمود. این ابعاد عبارتند از:

الف) برنامه درسی:

حوزه‌های علمیه شیعی در طول تاریخ به عنوان نظامی مستقل در امور آموزشی و تدوین منابع درسی و علمی مورد نیاز راسا به رفع نیازهای خود پرداخته‌اند (غیاثی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). در اکثر آنها برنامه درسی از پیش تدوین نمی‌شود، زمان آموزشی هر درس محدود و معین نیست، آموزش مانند مدارس جدید درجه‌بندی نیست، به عبارت دیگر کلاس‌های مرتب و معین وجود ندارد (مهدوی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

با گذشت زمان سنت‌هایی در مراحل آموزشی و مواد و منابع درسی حوزه‌ها پدید آمده است. معمولاً هر طلبه در حوزه‌های علمیه باید مراحل زیر را پشت سر بگذراند: دروس مقدماتی که عمدتاً شامل ادبیات عرب (صرف و نحو و معانی و بیان) و منطق است، دروس سطح که شامل علم اصول و فقه است، درس خارج فقه و اصول که

هدف آن تمرین و پرورش قوه استنباط و اجتهاد طلاب است، دروس تخصصی در رشته‌های مختلف تفسیر، کلام و... دروس عمومی شامل عقاید، تفسیر، اقتصاد و... (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۸).

ب) عدم تمرکز در مدیریت منابع انسانی

جذب طلاب در حوزه‌های علمیه معمولاً مبتنی بر شرایط یکسانی نبوده است. گاه علاوه بر شرط بلوغ که معمولاً از شرایط پذیرش طلاب محسوب می‌شده است، شرایط دیگری بر اساس وقفنامه‌های خاص برخی مدارس اعمال می‌شده است (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۹۲). با وجود این حوزه‌های علمیه سنتی، عمدتاً فاقد کنکور یا گزینشی خاص برای طلاب هستند و ورود افراد در سنین مختلف بدون ارزیابی دقیق به حوزه‌های علمیه، معهود است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

همچنین آزادی انتخاب درس و استاد، بر حسب استعداد و علاقه طلبه، آزادی حضور و عدم تقید به شرایط ظاهری و فرمالیسم پیچیده و خشک اداری در راه کسب علم، همواره یکی از محسنات و امتیازات حوزه‌های علمیه شیعی بوده است. در نظام سنتی حوزه‌های علمیه حق تدریس، انحصاری نیست. مدرسان خود تصمیم به شروع درس معین گرفته و به حسب مراجعات و تقاضای طلاب درس و ساعت برگزاری آن را تعیین می‌کنند (باغستانی، ۱۳۸۹: ۳۴۹). به عبارتی انتخاب استاد نه انتصابی، بلکه انتخابی است و چون خود طلاب ضمن آزمایش‌ها و اختبارات استاد بهتر را انتخاب می‌کنند، اصل انتخاب اصلح حاکم است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۹۰). در این نظام تدریس سطوح پایین توسط طلاب سطوح بالاتر با اجازه اساتید خود امری کاملاً مرسوم بوده است، اگر چه معمولاً عنوان مدرس بر آنها اطلاق نمی‌شد (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۹۲).

ب) انتخاب متون آموزشی:

کتاب‌های متداول درسی در حوزه‌های علمیه شیعه در طول زمان، متفاوت بوده و در هر دوره و زمانی کتاب‌های خاصی تدریس شده است. اگر چه در ادوار گذشته استادمحوری بر حوزه غلبه داشت؛ یعنی استاد، متن مورد نظر را مشخص می‌کرد و شاگرد آن متن را با همان استاد می‌خواند، اما حدود یک قرن پیش استادمحوری جای خود را به متن‌محوری داد؛ یعنی طلاب متن را انتخاب کرده و بیشتر به سراغ استادی می‌روند که بتواند متن مورد نظر طلاب را تدریس کند. البته در برخی موارد استاد یا طلاب با سابقه می‌توانند در تعیین متن برای طلاب تازه وارد در هر مقطع درسی، نقش آفرین باشند (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴: ۳۶).

البته این کتاب‌ها در قرن سیزدهم هجری به ویژه با انتشار کتاب‌های شیخ اعظم انصاری و آخوند خراسانی یکدست شد (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴: ۱۳۰). اما این موضوع را نمی‌توان به معنای تمرکز در متون آموزشی

دانست؛ چرا که رسمیت این متون آموزشی نه محصول دستورالعمل‌های اداری بلکه معلول قوت آن متن و انتخاب آن توسط اساتید برجسته و طلاب و در مواردی بر اساس وقفنامه‌ها بوده است.

ج) نظام‌ارزشیابی و صدور مدارک

شیوه مرسوم در حوزه‌های علمیه برای ارتقاء طلبه به درس بالاتر، غالباً امتحانی به صورت خواندن و شرح متن و پاسخگویی به سوالات استاد بوده است. البته برخی مدارس بر اساس وقفنامه ضوابط خاصی برای امتحانات داشته‌اند که نشانه‌ای بر عدم تمرکز در این زمینه است. امتحان مربوط به مراحل متن‌خوانی بوده است که شامل مقدمات و سطح می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۹۳).

در دوره خارج که نمود پیشرفت طلبه عمدتاً در مناقشات در مجلس درس است، امتحانات موضوعیت ندارد و مرسوم است که استادانی که مرجعیت علمی در حوزه دارند برای آن فرد اجازه^۲ اجتهاد صادر می‌کنند (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۹۳). مهمترین ویژگی اجازه این است که بجای آن که «حوزه بنیاد» باشد، «استادبنیاد» است (باغستانی، ۱۳۷۹: ۲۵) و «استاد بنیاد» بودن صدور اجازه عاملی برای عدم تمرکز در نظام ارزشیابی حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود.

د) نحوه مدیریت مالی:

علاوه بر استقلال مالی حوزه‌های علمیه از دولت‌ها و عدم اتکاء به آنها، تنوع منابع مالی مدارس علمیه و پراکندگی آن همواره مانع تمرکز در مدیریت مدارس علمیه بوده است. این منابع معمولاً از طریق وقف و وجوه شرعی تامین می‌شود که هر کدام عاملی برای عدم تمرکز مالی آنها بوده‌اند.

واقفان در وقفنامه‌های خود رفاه طلاب، خرید و مرمت کتاب، تعیین حقوق مدرسان و طلاب را تضمین می‌کردند (سیدزاده مطلق، ۱۳۹۰: ۱۸۷). تنوع نیت واقفین در نحوه توزیع درآمدهای وقفی و اختصاص برخی وقفیات به مدرسه‌ای معین، در تعدد و تنوع مدیریت مدارس اثرگذار بوده است.

دومین منبع مالی وجوه شرعی است که در کنار سایر مصارف، برای اداره امور مدارس علمیه و طلاب به کار می‌رود. تا صدسال پیش معمولاً وجوهات هر شهر به علمای همان شهر پرداخت می‌شده و غالباً در همان شهر مصرف می‌شده (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۹۸) که یکی از مصارف آن اداره امور طلاب و حوزه بوده و عدم تمرکز مدیریت

^۲ - مفهوم اجازه از سده‌های میانی اسلامی و اولین بار در مورد اجازه روایت حدیث رواج یافت و بعدها به سایر علوم اسلامی سرایت کرد و کم‌کم شکل یک مدرک تمام عیار را به خود گرفت؛ چرا که تنها بر حدود ماده علمی متوقف نشد و به اغراض جدیدی از جمله صلاحیت پیشه علمی یا وظیفه مانند فتوا، تدریس و قضاوت و... گسترش یافت.

مالی مدارس را موجب می‌شده است. اما در قرن اخیر به دلیل گسترش ارتباطات، وجوهات عمدتاً به دست مراجع می‌رسد و توسط آنها توزیع می‌گردد (همان) که تا حدودی در گسترش تمرکز در این حوزه موثر بوده است.

حرکت به سمت تمرکزگرایی در حوزه‌های علمیه ایران:

تخصصی شدن امور، تقسیم کار در همه ابعاد زندگی و پیچیدگی روابط اجتماعی در دنیای کنونی، خواه ناخواه تأثیر خود را بر ساختار حوزه نیز گذاشته و حوزه نیز تا حدی خود را با این تحولات هماهنگ کرده است. لذا در قرن گذشته تحولات نظام آموزشی حوزه در ایران به سمت نوعی تمرکزگرایی البته نه به شکل دولتی، جریان داشته است. حوزه علمیه‌ای که پیش از این هیچ گونه سازمان خاصی نداشت، امروزه مشتمل بر یک نظام دیوان سالار است (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۳).

گزارشات سفرنامه نویسان ایرانی و خارجی از ایلخانان تا قاجار حاکی از محوریت مدرسه و عدم وجود مرکزی به نام حوزه علمیه در نظام تعلیمی ایرانیان شیعی است. همچنین این منابع نشان می‌دهند مدارس هر شهر بدون مدیریتی واحد و مستقل از یکدیگر اداره می‌شده (دانشیار، ۱۳۹۱: ۸۲) و نمونه کاملی از عدم تمرکز در یک نظام آموزشی بوده‌اند.

اصطلاح حوزه علمیه به مفهوم امروزی آن، ظاهراً نخستین بار بر مدارس دینی قم که تحت ریاست شیخ عبدالکریم حائری یزدی (د. ۱۳۱۵ ش) مدیریتی واحد یافت، اطلاق شده است (دانشیار، ۱۳۹۱). این مدیریت واحد را می‌توان معلول گسترش ارتباطات جهانی و تنوع یافتن نیازهای علمی بر اثر بروز شبهات جدید دانست. تصویب یک تقویم معین برای تعطیلات، ایجاد یک نظام آزمون و امتحان در وزارت معارف وقت، ارائه گواهینامه دوره پس از برگزاری آزمون‌های نهایی برخی سطوح از دستاوردهای آن دوره بود (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۴۸۵). ویژگی اصلی این نهاد جدید، اداره تمام علما و طالبان علوم دینی زیر نظر مدیریت واحدی بود که با اتمام تحصیلات نخستین فارغ التحصیلان این حوزه، تاسیس شعبات آن نیز در شهرهای مختلف ایران آغاز گردید (دانشیار، ۱۳۹۱: ۸۹).

بعد از انقلاب اسلامی و بازتعریف رابطه حوزه‌های علمیه با حکومت، و ضرورت تامین برخی نیازهای اجرایی دولت توسط تربیت‌شدگان حوزه و لزوم برنامه‌ریزی برای هدفمندسازی آموزش حوزویان در راستای نیازهای جدید، زمینه‌های تمرکزگرایی بیشتری در حوزه‌های علمیه پدید آمد.

در اوایل سال ۱۳۶۰ ه.ش بر اساس فرمان امام خمینی مبنی بر ضرورت نظام‌یافتگی حوزه، اولین ساختار جدید تحت عنوان «شورای مدیریت حوزه علمیه قم» با وظایف زیر شکل گرفت: تدوین برنامه درسی، تدوین

آیین‌نامه پذیرش، ایجاد مدارس تحت برنامه، تشکیل پرونده تحصیلی، تشکیل دایره امتحانات، تشکیل بخش مربوط به امور حوزه شهرستان‌ها و تشکیل دفتر مدیریت مدارس (بروشور شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۳-۲).

در حال حاضر بر اساس آیین‌نامه‌ها، شیوه پذیرش نیز کاملاً نظام‌مند شده و طلاب به صورت گزینشی از طریق امتحان ورودی وارد حوزه می‌شوند و گاهی حتی مصاحبه‌های هوشی و روان‌شناختی نیز از طلاب به عمل می‌آید (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۵). برنامه‌های آموزشی هر ساله توسط معاونت آموزشی حوزه بازنگری شده و پس از تصویب نهایی شورای عالی به مدارس و مراکز مربوطه ابلاغ می‌گردد (غیائی، ۱۳۸۳: ۱۳۳). کلیه مدارس ملزم به اجرای دقیق و کامل برنامه‌های آموزشی مصوب در آیین‌نامه‌های مصوب می‌باشند و هیچ تغییری در عناوین، تعداد و محتوای دروس مجاز نمی‌باشد (آیین‌نامه آموزشی مدارس علمیه، ۹۵-۹۴).

با مروری بر شرح وظایف شورای عالی حوزه‌های علمیه^۳ می‌توان دریافت که علاوه بر نوعی تمرکزگرایی در موارد فوق، نظام ارزشیابی مدونی نیز در حوزه‌های علمیه تحت پوشش دنبال می‌شود. در این میان اشتغال طلاب و مدرسان حوزه، در مراکز غیر حوزوی که منجر به صدور مدارک معادل دانشگاه شده (باغستانی، ۱۳۸۹: ۳۶۶) را عامل مهمی در این موضوع دانست. در پایان هر سال از طلاب در مورد هر درس به صورت جداگانه آزمون برگزار و سوالات آزمون به صورت متمرکز از حوزه‌های علمیه قم به حوزه‌های علمیه تحت برنامه، ارسال می‌گردد که مستلزم تمرکز کامل در برنامه درسی است. در مرحله تخصص و اجتهاد نیز علاوه بر آزمون پایان دوره، شرکت در مصاحبه علمی، ارائه فعالیت‌های علمی و رساله در پایان دوره پیش‌بینی شده است (شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹، مصوبه ۴۴).

از نظر تشکیلاتی، توزیع مدیریت کشوری در حوزه‌ها، استانی است و هر استان مدیریت خود را در سطح استان اعمال می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۳). اگر چه در سطح کلان کشور هنوز حوزه‌های علمیه‌ای چون حوزه علمیه خراسان و حوزه علمیه اصفهان به صورت مستقل اداره می‌شوند (باغستانی، ۱۳۸۹: ۳۶۶)، اما خود این حوزه‌ها نیز با تشکیل مرکز مدیریت شیوه‌های تمرکزگرایانه‌ای را در سطح مدارس علمیه تحت پوشش خود اعمال می‌نمایند. به طور کلی می‌توان گفت حوزه‌های علمیه ایران، در سال‌های اخیر عمدتاً سطوحی از تمرکز در همه ابعاد آموزشی اعم از برنامه درسی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی را تجربه کرده‌اند.

منابع و مأخذ:

^۳ - ر.ک سایت رسمی شورای عالی مدیریت حوزه‌های علمیه: <http://www.shorayeali.com/laws/law-index.aspx?id=>

- آیین‌نامه آموزشی مدارس علمیه (بلند مدت برادران)، سال تحصیلی ۹۴-۹۵.
- <http://www.howzehzahedan.ir/wpcontent>
- اربطیان، حسن (۱۳۸۵). سیر تحولات ساختاری و معرفتی در حوزه‌های علمیه، ماهنامه معرفت، شماره ۱۰۳
- امین خندقی، مقصود و دهقانی، مرضیه (۱۳۸۹). تاملی در تمرکز گرایی و بازگشت مجدد به تمرکز گرایی و بررسی دلالت‌های آن برای نظام برنامه درسی ایران: منظری جدید، فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، سال یازدهم، شماره ۲
- باغستانی، اسماعیل (۱۳۷۹). اجازه نوعی مدرک در گستره تاریخ و فرهنگ اسلامی، نگاه حوزه، شماره ۶۳-۶۴
- باغستانی، اسماعیل (۱۳۸۹). حوزه علمیه، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۳). حوزه علمیه، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- جهانپور، فاطمه (۱۳۸۷). مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی با تکیه بر اسناد (صفویه تا قاجاریه)، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- دانشیار، مرتضی (۱۳۹۱). اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهل و پنجم، شماره ۱
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۶). شیوه‌های تحصیل تدریس در حوزه‌های علمیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.
- سیدزاده مطلق، شهره (۱۳۹۰). مهمترین مدارس موقوفه تهران از دوره ناصرالدین شاه تا پایان دوره قاجار، پیام بهارستان، شماره ۱۳
- شریف رازی، محمد (۱۳۳۲)، آثار الحجه یا دایره المعارف حوزه علمیه قم، قم، کتابفروشی برقی.
- شیرحانی، علی و زارع، عباس (۱۳۸۴). تحولات حوزه علمیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبدخدایی، محمدهادی (۱۳۷۹). نقش مدرک در فرایند آموزشی حوزه‌های علمیه، نگاه حوزه، شماره ۶۴-۶۳
- غیائی، غلامرضا (۱۳۸۳). تعلیم و تربیت در اسلام و حوزه‌های علمیه، قم، انتشارات بیان الحق.

- گویا، زهرا؛ قدکساز خسروشاهی، لیلا(۱۳۸۶)، تبیین جدیدی برای تمرکز و عدم تمرکز و عدم تمرکز در ایران، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی درسی ایران، شماره ۴
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۲). ده گفتار، قم، انتشارات صدرا.
- ملکی، حسن و آقامحمدی، جواد(۱۳۹۴). تمرکز گرایی و تمرکزگرایی در فرایند برنامه ریزی توسعه آموزشی: چالشها و موانع، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۸۰
- مهدوی حسینی، سید محمدعلی(۱۳۸۰). کندوکاوی در نظام آموزشی حوزه و ارائه راهکاری جدید، فصلنامه پیام حوزه، شماره ۳۰.

